

ترجمه‌ی نادر منسوب به حضرت ملّای نقشبندی

فخرالدین نصرالدین اف*

چکیده

در مقاله یکی از ترجمه‌های ماوراءالنهری قرآن مجید مورد معرفی قرار گرفته است. موضوع در سه بخش عمده بررسی یافته است. در بخش اول از مشخصات نسخه سخن رفته است. بخش دوم شامل مباحثی در مورد مترجم و تاریخ ترجمه می‌باشد. در بخش سوم ویژگی‌های ترجمه و تألیف تحقیق گردیده است. این خصوصیات با ضبط شواهد تحلیل یافته، در موارد لازمی در معرض مقایسه نیز قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: نقشبندی، حضرت ملّا، استخاره‌نامه، کاربرد کلمات کهن.

گفتار معجزه‌آسای مفخر انسانیت محمد (ص): «لو كان الايمان منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس»^۱، که در تفسیر آیه‌ی پُرتنبه الهی: «و إن تتولّوا یستبدل قوما غیرکم ثم لا یكونوا امثالکم»^۲ بیان یافته است، خود

* دکترای علوم فیلولوژی، استاد دانشگاه دولتی خجند

سند بس محکمی بر مکانت مردم فارس و تاجیک در مورد خدمت بر معارف قرآنی می‌باشد.

چه منزلت خجسته بر این ملت رسیده که قرآن مجید از بین اقوام بشر نخست از سوی ایشان ترجمه یافته است.

بر اهل تحقیق روشن است که ماوراءالنهر در تاریخ ترجمه قرآن کریم در بین تمام سرزمین‌های فارسی‌زبان مقام مادری و نخست مکتب را دارد. خود نسبت کهن‌ترین ترجمه و تفسیرهای فارسی قرآن کریم، از قبیل «ترجمه‌ی قرآن قدس»، «ترجمه‌ی تفسیر طبری»، «تفسیر قرآن پاک»، «تفسیر درواجکی» (امام زاهدی) و غیره که در همین سرزمین نوشته شده‌اند، تصدیق‌گر نظر یادشده می‌باشند. نگاهی بر فهرس میراث خطی اسلامی در کتابخانه‌های نامور جهان و مراجع تخصصی قرآنی که از صدها ترجمه و تفسیر کامل و ناقص ماوراءالنهری قرآن مجید خبر می‌دهند، این نظر را بیشتر از پیشتر صداقت می‌بخشد.

آری، سرزمینی که در گوشه و کنار میهنش، در طول بیشتر از هزار سال در مدارس و کتابخانه‌ها، خانقاه و بزمگاه‌های معنوی بی‌شمارش هزاران مردان دانش دل‌باخته‌وار بر انتشار معارف قرآنی کوشیده‌اند، سعی ایشان بر مقام مشکور رسیده و نهال پرورده‌اشان پربار آمده است.

آنچه در فهرست و سرچشمه‌ها [منابع و مآخذ] ثبت یافته، عده‌ای [مقداری] از [آن] بخش محفوظ مانده از حوادث روزگار و ستم و وحشی‌گری‌های اجنبیان بر سر این سرزمین می‌باشد. اما قسمی، تا حال

در طاق‌های مراکز خطّی و نهانخانه‌ی منازل مردمی دور از نظر و آشنایی قرار داشته، چون دُرّ ثمین با قیمت والای معنوی خویش منتظر دولت‌جویان صاحب‌دل نشسته‌اند.

عده‌ای از این آثار با برابر [در کنار] آن همه مشکلات عهد شوروی، چون لئالی مکنونه در کنج و خلوتگاه‌های امن مردم این خطّه از نسل به نسل پوشیده نگاه داشته شده است.

به مجرد رسیدن نعمت استقلال و احساس امنیت، چندی از این آثار از نهانگاه‌های مردمی بر طاق و صدر خانه‌های ایشان ره یافته، تا جایی چهره خود را هویدا ساختند. ولی تا هنوز [کنون]، به استثنای یکی دو نمونه، از هیچ یک معرفی صورت نگرفته است. از این جهت بر معرفی یکی از آنها می‌پردازیم.

معرفی در سه بخش زیرین صورت می‌گیرد:

(ا) مشخصات و ساخت و ترکیب نسخه.

(ب) مؤلف و تاریخ ترجمه.

(و) خصوصیت‌های تألیف و ترجمه.

۱. مشخصات و ساخت و ترکیب نسخه

نسخه‌ی مذکور شامل یک دوره‌ی کامل از متن قرآن مجید و ترجمه‌ی فارسی آن است. نسخه با پوست تجلید گردیده، ۴۰×۲۷ اندازه دارد. تعداد اوراق ۱۹۰ می‌باشد. ورق‌ها همه سپید شفاف و ستر و تُنک

آهر بوده، به کاغذ سمرقندی شبیه می‌باشند. اندازه ورق‌ها ۳۷×۲۵ است. اوراق همه یک‌نوع و سالم بوده، تنها در اطراف خود، آب‌خوردگی دارند. اما متن از این نقص ایمن مانده است.

نسخه بدون مقدمه مستقیماً با آیه‌ی تسمیه‌ی [بسمله] سوره‌ی فاتحه آغاز می‌یابد. در صفحه اول سوره‌ی فاتحه آورده شده است. صفحات همه از تزیین و آرایه‌ها و هر نوع جدول‌کشی خالی می‌باشند. هر صفحه شامل سی سطر (پانزده سطر آیات و پانزده سطر ترجمه) است. در هیچ مورد در صفحات شماره‌گذاری نشده است. آیت‌ها با خط ثلث‌مانند و ترجمه با نستعلیق ابتدایی کتابت شده‌اند. کتابت متن اصلی با رنگ سیاه و مشکی درشت و ترجمه با رنگ سرخ ریزتر صورت گرفته است. نام سوره، مکی و مدنی و تعداد آیات بدون آرایه‌ها با خط ثلث و با رنگ سرخ درشت‌تر نوشته شده، همه به زبان عربی می‌باشند. تعداد آیات طبق روایت قاریان کوفی ثبت یافته، از این جهت گاهی با شماره‌های مشهور مصحف معمولی امروزه فرق دارد. آیت‌ها با ترنجک و دوره‌چه‌ها که با رنگ سرخ درشتند، علامت‌گذاری شده‌اند. اما در هیچ یکی شماره‌ی آیات ثبت نشده است. علامت وقف و مدها نیز با همین رنگ نشانه یافته‌اند. متن قرآن ظاهراً چون شیوه‌ی قدما بر هفت قسم جدا کرده شده است. این خصوصیت را جمله‌ی زیرین که در آخر سوره محمد (ص) ثبت یافته است، روشن می‌سازد: «تَمَّتْ سِتَّةُ الْأَقْسَامِ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ» (شش قسم از کلام خداوند پایان یافت).

جزء، نصف جزء و ربع جزء در حاشیه با خطّ سرخ درشت اشاره یافته است. علامت سجده‌های تلاوت و بعضی از خصوصیت‌های دیگر نیز عیناً با همین خطّ و رنگ در حاشیه ثبت گردیده‌اند. همین گونه بعضی از افتادگی‌های متن با قلم متن اصلی با همراهی ترجمه در جای جای حاشیه دیده می‌شود. کلّ متن قرآن و ترجمه در ۳۷۰ صفحه کتابت یافته، در صفحه آخر آن بدون فاصله صفحه‌ای استخاره‌نامه (فال‌نامه) قرآنی ثبت شده است. متن استخاره‌نامه با رنگ سیاه کتابت یافته، شامل ده صفحه می‌باشد. از جمله‌های پایانی استخاره‌نامه چنین برمی‌آید که آن به امام حسن بصری و امام جعفر صادق (ع) تعلق دارد. در صفحه آخر پس از فاصله چند سطر فارغ، چنین ابیات ثبت یافته است:

قاریا، بر من مکن عیب و عتاب
گر خطایی رفته باشد در کتاب
آن خطای رفته را تصحیح کن
از کرم، و الله اعلم بالصواب.

بعد از این همچون خاتمه با خطّ صاحب ترجمه چند جمله با زبان عربی نوشته شده است. این جمله‌ها با خطّ ثلث و رنگ سرخ درشت نوشته شده، همه دعا و عذر و عفوخواهی از خداوند است که اگر زلتی رفته و نسیانی غالب آمده باشد، از آن درگذرد. در گوشه‌ای از این ختامیه

با قلم سیاه جمله‌ای نوشته شده که پایین‌تر توضیح می‌یابد. قابل ذکر است که ترجمه‌ی دو سوره‌ی آخر قرآن و آیات ۲۳-۴۲ از سوره‌ی نساء وجود ندارد.

۲. مترجم و تاریخ ترجمه

هر تألیفی که با خلوص و صفا و پایداری در کوی صدق و وفا صورت می‌گیرد، نعمت پایداری و بقا برایش خواهد رسید. در روزگار امام مالک نفری [فردی] کتاب «موطاء» تألیف نموده بود که چند برابر «موطاء» مالک حجم داشت. شخصی نزد امام مالک آمد و طعنه‌آمیزانه گفت: در تألیف تو چه فایده است. امام مالک فرمود: ما کان الله بقا. (هر چه برای خدا باشد، نعمت بقا را خواهد یافت).^۳ از سوی دیگر به مصداق آیاتی، چون «ما هرگز مکافات نیکوکاران را ضایع نمی‌سازیم»،^۴ «من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما مرد و زن را ضایع نمی‌کنم»^۵ خداوند سعی و کوشش یاران خود را از حوادث روزگار حفظ نموده، نمی‌گذارد که مفقود و ناپیدا بگردد.

مؤلف ترجمه‌ای که در صدد معرفی‌اش هستیم، نیز صاحب چنین خصال خجسته بوده، با همین سبب ترجمه‌اش تا امروز محفوظ مانده است. در غیر این صورت در طول قرن‌ها چون صدها آثار دیگر ناپیدا می‌گردید. اما با آن‌که تنها یک نسخه است، نعمت بقا و پایداری را یافته است.

ترجمه‌ی مذکور منسوب به یکی از عارفان ماوراءالنهری معروف به حضرت ملّا می‌باشد. در مورد این شخص در سرچشمه‌ها [منابع] اطلاعات مفصلی وجود ندارد.

در کتاب «مزارهای شمال تاجیکستان» چنین آمده: «مزار حضرت ملّا در استروشن که در این مزار عصا و قرآن حضرت ملّا حفظ می‌شده است... از شمار مزار فیض آثار محسوب می‌شوند». ^۶ از معلومات روشن است که مؤلف کتاب مستقیماً وارد این موضوع نیست.

طبق نسب‌نامه‌ای که در دست اولاد حضرت ملّا نگهداری می‌شود، از ایشان چنین یاد شده: «حضرت مولانا ملّا لقبشان (ایشان) ایشان پیر» [ایشان: تسمیه عام سادات در ماوراءالنهر، مانند علوی، شریف و منسوب در دیگر جای‌ها]. از این اقتباس تنها عنوان افتخاری و لقب ایشان پیدا بوده، از نام اصلی چیزی به نظر نمی‌رسد. همچنین از این نسب‌نامه معلوم می‌گردد که ایشان از خاندان فضل و دانش و عرفان بوده‌اند. مولانا یعقوب چرخ‌ی یکی از اشخاص نزدیک به ایشان در سلسله نسب می‌باشند. مولانا محمد قاضی که از عارفان نقشبندی و یاران مخدوم اعظم دهبیدی ^۷ است، نیز از اقارب نزدیک ایشان می‌باشد. ایشان داماد لطف‌الله چستی که او نیز از عارفان نقشبندی و مرید مولانا محمد قاضی و مخدوم اعظم دهبیدی است، ^۸ بوده‌اند. این نکته در ضمن ذکر نام پسر و همسر ایشان به چنین صورت در نسب‌نامه آمده: «میر سید محمد احمد خواجه پدر ایشان حضرت ملّا مادر ایشان بی‌بی سیده بنت مولانا لطف‌الله

چستی». با تکیه بر اشخاص در نسب‌نامه بوده و دلایل دیگر، می‌توان یاد نمود که حضرت ملّا نیز از عارفان طریقت نقشبندیه بوده‌اند.

در مورد کرامت و احوال این بزرگ‌مرد در بین اولاد ایشان روایت‌های زیاد وجود دارد که به سبب سند موثق نداشتن و از مسئله محوری مقاله ما دورتر بودن، چیزی از آن‌ها را نقل نمی‌نمایم. امروز مزار این عارف در منطقه‌ای تقریباً بین خجند و استروشن در ناحیه بیک‌آباد جمهوری ازبکستان در دیه‌ی ظفر قرار دارد. در نزد مزار ایشان امروز مسجد تازه و باشکوهی بنا نموده‌اند.

امروز از این مرد فرهیخته دو اولاد بزرگ و بانفوذ در خجند و استروشن زندگی می‌نمایند. در دست هر یکی از ایشان نسب‌نامه و نشانه‌ها موجود است. یکی از این نشانه‌ها عصای حضرت ملّا بوده، آن در دست اولاد خجندی قرار دارد. دیگری قرآن حضرت ملّاست. این همان قرآنی است که مورد معرفی قرار دارد. این قرآن مترجم، همچون نشانه در دست اولاد استروشنی قرار داشته، از سوی ایشان چون گوهرک [مروارید] چشم نگهداری می‌شود. از این خانواده‌ی ارجمند سپاسگزارم که نسخه‌ی مذکور را چند نوبت نزد بنده گذاشتند. نسخه‌ی مذکور طبق قانون خاص اولادی، در این خانواده نگهداری می‌شود. مرد کهنسال‌ترین اولاد [کهنسال‌ترین اولاد ذکور] که وظیفه سروری همه‌ی این خانواده را دارد، همیشه صاحب این نسخه می‌گردد. وقتی که او از دنیا درگذرد، شخص پس از او قرار داشته، در معرکه‌ی [مراسم] خاصی نسخه را صاحب

می شود.

در هیچ موردی از نسخه ذکر حضرت ملاً و قرآینی دال بر آن، به چشم نمی‌رسد. در گوشه‌ای از ختامیه کتاب که قبلاً اشاره شد، به این صورت نام شخصی کتابت یافته: «مشقت العبد پیرمحمد خاصی» (دست‌رنج بنده کمترین پیرمحمد خاصی). که بودن این نفر تا حال بر ما روشن نیست. اگر شخصی غیر حضرت ملاً باشد، مترجم این نسخه بودن ایشان را زیر سؤال می‌برد. کاتب نسخه بودن این شخص نیز با دلایل موجود مخالف می‌باشد. اگر این شخص را تنها کاتب بدانیم، در این حال حتماً نوشته و نسخه‌ی دیگری وجود داشته که دور از واقعیت می‌تابد [به نظر می‌رسد]. زیرا نسخه با ده‌ها موارد کتابت متن و اصلاح فراوان سهو القلم‌ها در حواشی با عین قلم متن اصلی، خود گویای نسخه اصل بودنش است. همچنین خطی که این جمله با آن نوشته شده است، با قلم متن اصلی و استخاره‌نامه یگانه می‌باشد. اگر ترجمه را دقیقاً مال حضرت ملاً بدانیم، تاریخ کتابت آن تقریباً به آغاز قرن ۱۶ میلادی راست می‌آید [موافقت می‌کند].

بر ما از صاحب ترجمه ذات ترجمه مهمتر می‌باشد. اگر مترجم اصلی‌اش تا جایی ناروشن باشد، نکاتی چون خصوصیات زبانی، شیوه‌ی املا، نوع کاغذ و قلم و غیره حدّ اقل به تاریخ مذکور و الا قدیم‌تر از آن دلالت دارد.

۳. خصوصیت‌های ترجمه و تألیف

برای آگاهی خوب‌تر از نسخه‌ی مذکور چندی از خصوصیت‌های ترجمه و شیوه‌ی کار مترجم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(۱) ترجمه‌ی آیه‌ی تسمیه.

در این ترجمه تمام آیت‌های تسمیه که در آغاز ۱۱۳ سوره قرار دارند، ترجمه یافته است. در بیشتر این موردها آیه به صورت «به نام خدای مهربان و بخشاینده» ترجمه شده است. این نوع ترجمه در آغاز سوره‌های انبیا، حج، مؤمنون، نور، فرقان، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، احزاب، قاف [ق] و چندی دیگر به نظر می‌رسد. در آیه‌ی ۳۰ از سوره‌ی نمل، که آیت تسمیه جزئی از آن را تشکیل می‌دهد، نیز به همین طریق ترجمه یافته است. اما ترجمه‌ها همه یک‌نوع نیستند. ترجمه‌های دیگر نیز به نظر می‌رسند. با دقت بر این ترجمه‌ها برمی‌آید که آن‌ها به اسلوب تفسیری ترجمه شده‌اند. آن‌ها بر مبنای مضمون اساسی و محوری سوره‌ای که در آغاز آن قرار دارند، ترجمه پذیرفته‌اند.

از آن‌جا که سوره‌ی «مائده» شامل احکام و چندی از اوامر و نواهی بوده، اطاعت آن‌ها حتم‌الاتباع و تارک آن عاصی آشکارا می‌باشد، این آیه را چنین ترجمه نموده: «به نام خدای مهربان به نگاهداشتن از معصیت‌ها و بخشاینده به توفیق دادن به طاعت».

سوره‌ی انفال که وقعات پیروزی‌های رسول‌الله (ص)، غنیمت و حلال

گردیدن آن و غیره در محور سوره قرار دارد، آیه‌ی تسمیه به این صورت ترجمه یافته: « به نام آن خدای، که امت محمد را حلال کرد، مهربانی، که بر کافران ظفر داد، بخشاینده، که خواسته‌ی کافران (را) مر مؤمنان را غنیمت گردانید».

آیه‌ی مذکور در آغاز سوره‌ی رعد این گونه ترجمه گردیده: «به نام آن خدای که آسمان را بر هوا داشت، مهربانی، که زمین را بر آب بگسترانید، بخشاینده...».

این معنی بر اساس آیه‌ی سوّم و چهارم این سوره که در آنها از این معنی سخن رفته، ترجمه یافته است.

همین گونه در ابتدای سوره‌های انعام، اعراف، یوسف، ابراهیم، حجر، اسراء چندی دیگر نمونه‌های زیبای این نوع ترجمه‌ها ثبت یافته است.

۲) ترجمه‌ی حروف مقطعه.

حروف مقطعه که در آغاز ۲۹ سوره‌ی قرآن قرار دارند، در اصل دلالت بر اعجاز قرآن داشته، نزد اکثر مفسران از تشابهات قرآنی حساب می‌یابند. از این لحاظ در اکثر تفاسیر تفسیر نیافته‌اند. بیشتر دانشمندان، خود و همه‌ی امت را عاجز از درک معنی اصلی آنها دانسته‌اند. اما عدّه‌ای دست بر تأویل زده، نظره‌ای تخمینی را در مورد این حرف‌ها بیان داشته‌اند. این گونه نظرها از مفسران بزرگی، چون ابن عباس، ضحاک و چندی دیگر در تفسیرها ثبت یافته است.

مترجم این نسخه نیز در بعضی موردها به ترجمه‌ی تأویلی این حروف پرداخته است. اما این کار او نه پیش خودی [مبتنی بر رای وی]، بلکه ترجمه‌ی نظر پیشگامان علم تفسیر می‌باشد که این خود از وسعت دانش مترجم خبر داده، امانت و حفاظت حدود را رعایت نموده است.

در حروف مقطعه‌ی سوره‌ی یونس این جمله را آورده است:
«الر- سوگند به آلاء لطف».

در عین این حروف که در آغاز سوره‌ی هود نیز قرار دارد، چنین تأویل را بیان داشته:

«الر- انا الله اعلم- می‌دانم و می‌بینم. و به قولی سوگند به الطاف و مرحمت من».

در سوره‌ی «ص» چنین نکته را ثبت فرموده: «ص- صدق الله».^۹
همین گونه در حروف مقطعات و فواتح السور سوره‌های دیگری، چون اعراف، یوسف، طه و غیره این خصوصیت به نظر می‌رسد.

۳) ذکر توضیحات

گه گاهی در حاشیه بعضی از نکات ایضاح‌خواه متن، توضیح یافته است.

مثلاً، در مورد که بودن نداکننده در آیه‌ی «فنادها من تحتها»^{۱۰} (پس از زیر آن او را ندا کرد) چنین توضیح را نوشته: «جبرئیل از بن کوه ندا کرد مر او را، که خوش باش».

همین گونه در مورد کلمه‌ی «تقیًا»^{۱۱} چنین نوشته: «به قولی مردی بود، او را به زنا منسوب می‌کردند؛ نام تقی، (مریم) پنداشت مگر اوست، از آن بازداشت خواست».

به همین طریق در توضیح آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^{۱۲} (همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح نمودند، خداوند برایشان محبت می‌گذارد)، مطلب قرار دادن محبت بر آنان را با چنین سخن توضیح بخشیده است: «یعنی، خدای دوست گیرد ایشان را و دوست گرداندشان در دل‌های دوستان خود، تا همه یکدیگر را دوست گیرند».

۴) بیان اسباب نزول آیه

از آن سبب که آگاهی از اسباب نزول آیه برای فهم مطلب کمک می‌رساند، مترجم جای جای در حواشی از آن‌ها سخن نموده است. چنین موردها در حاشیه زیاد به نظر می‌رسند. قسمی از آن‌ها در آغاز سور بیان یافته که سوره‌های طه، عنکبوت، روم، لقمان، احزاب از جمله آن‌ها می‌باشند.

نمونه زیرین از آغاز سوره‌ی طه است:

«پیغمبر علیه‌السلام در شب‌ها چندان قیام نمود در عبادت که گونه روی مبارک او زرد شد و قدوم مبارک آماس گرفت. کافران گفتند: محمد بدبخت شد. (آن‌گاه) این آیه (طه) مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى. طه. ما

قرآن را برای آن به تو نفرستادیم که مشقت بینی و بدبخت گردی) آمد».

(۵) بیان فضایل سوره و آیات

فضیلت‌های سوره و آیات در موردهای گوناگون بیان گردیده که بیشتر آن‌ها از زبان ابی ابن کعب (رض) می‌باشند. این خصوصیت را در حاشیه‌ی سوره‌های حجر، نحل، فرقان، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، احزاب، قاف (ق) و غیره دیدن ممکن است. جای جای از زبان حضرت علی [علیه‌السلام]، و ابن عباس رضی الله عنهما و دیگران نیز نقل فضایل به نظر می‌رسد.

در آغاز سوره فصلت چنین آورده: «عبدالله عباس روایت می‌کند (که) از پیغمبر علیه‌السلام، که هر که «حم سجده» [یعنی سوره ی فصلت] بخواند به عدد هر حرفی ده حسنه وی را بدهند، ده حسنه از نامی او پاک کند. در روایتی دیگر به هر آیتی که بخواند صواب مهاجر و انصار بیابد. و الله اعلم.»

(۶) تجلی آرای فقهی در ترجمه

قرآن منبع معارف اسلامی بوده، در کنار موضوعات مختلف، قسمی از آیات خویش را بر مسئله‌ی فقه تخصیص داده است. همین آیات موجب گردیده که در تاریخ اسلام تفاسیر فقهی بر مبنای مذاهب‌های مختلف پدید آید. به مثل «احکام القرآن» ابن العربی و «الجامع لاحکام القرآن» قُرطبی

در مذهب مالکی، «احکام القرآن» جصاص رازی در فقه حنفی، «احکام القرآن» إلیکيا الهراسی در فقه شافعی و دیگران.

فقیهان در استنباط احکام از آیات بر اساس قاعده‌های اصولی مذهب خویش نظرهای مختلف را بیان نموده‌اند.

مترجم قرآن در بعضی از این آیات، طرزی به ترجمه می‌پردازد که موافق با مکتب فقهی‌اش باشد. البته، آن گونه که یاد شد، همه ایشان بر اساس قوانین بر این کار اقدام می‌نمایند.

به طریق مثال به نکته‌ای از آیت ۴۳ از سوره نساء می‌نگریم.

فقها در معنی تعبیر «عابر سبیل» در این آیه اختلاف نظر دارند. فقهای حنفی مراد «مسافر» دانسته‌اند. فقهای شافعی و قسمی دیگر این تعبیر را به معنی «رهگذر» گرفته‌اند.

هر دو گروه برای تثبیت نظر خویش با دلایل زیاد به بحث پرداخته‌اند.^{۱۳}

طبق نظر گروه اول مسافر می‌تواند، در حال پیدا نکردن آب با تیمم وارد نماز گردد. بر نظر گروه دیگر بر شخص جنب جایز است که برای رسیدن به آب از مسجد همچون رهگذر عبور کند.

وقتی که مترجم به این آیه می‌رسد، ناچار آن را بر اساس نظر فقهی خویش ترجمه می‌نماید. یا حدّ اقل در قوسین به آن اشاره می‌کند.

همچون مثال به ترجمه‌های زیرین که مترجمان بزرگوار دو نمونه‌ی

اول از احناف و باقی از شوافع می‌باشند، می‌نگریم:

« و به نماز نزدیک مشوید در حال جنابت، تا آن‌که غسل کنید، مگر این‌که مسافر باشید».^{۱۴}

« و نزدیک مشوید به نماز در حال جنابت، مگر آن‌گاه که روان باشید به راه (مسافر)».^{۱۵}

« و نه که جنب باشید اندر مسجد مشوید، مگر بر راه‌گذری، تا این‌که غسل کنید».^{۱۶}

« و نه نیز جنابت‌رسیده، مگر گذران راه که رهگذر بر مسجد باشد. آن‌گاه معذور باشد که بر مسجد بگذرد، تا به آب رسد».^{۱۷}

« و در حال جنابت (نیز) تا آن‌که غسل کنید (به نماز نزدیک مشوید) مگر که رهگذر باشید».^{۱۸}

این گونه نمونه‌ها را در چندین آیات دیدن ممکن است. در حال ترجمه‌ی چنین آیات، آرای فقهی مترجم گرامی ما نیز در ترجمه تأثیر افکنده است. این‌جا نمونه‌ای را از ترجمه‌ی ایشان و مترجم مذهب دیگر نقل می‌نماییم:

«ای آنانی که ایمان آوردید، چون برخیزید سوی نماز (پس) بشوید روی‌های خویش را و دست‌های خویش را تا آرنج‌ها و مسح کنید به سرهای خویش و بشوید پای‌های خویش تا شتالنگ [کعب]...».^{۱۹}

«ای مؤمنان! چون برای نماز برخاستید، چهره و دستهایتان را تا آرنج‌ها بشوید و سپس سر و پاهایتان را تا قوزک‌ها مسح کنید».^{۲۰}

از مقایسه‌ی این ترجمه‌ها روشن می‌گردد که هر مترجم بر اساس

مذهب فقهی خویش به ترجمه‌ی آیه پرداخته است. اختلاف در ترجمه‌ی «و ارجلکم الی الکعبین» صورت گرفته است. سبب آن است که مترجم ما از اهل سنت بوده، در نظر جمهور فقهای این مذهب شستن پای واجب است. از این جا، ایشان این جمله را عطف بر جمله‌ی «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» گرفته که در این صورت مطلب بیانگر سپارش [امر] بر شستن پای‌ها می‌باشد.

اما مترجم بزرگوار دیگر که مذهب تشیع دارند، طبق نظر فقهی خود، آن جمله را عطف بر قرینه‌ی پیش از خویش «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» دانسته، مطلب را به صورت آورده شده به معنی مسح پای ترجمه نموده‌اند.

۷) ترجمه بر اساس نظر اعتقادی

در عالم اسلام مکتب‌های اعتقادی و کلامی زیاد وجود دارد. دانشمندان این مکتب‌ها آن آیاتی را که مربوط به مسئله‌های اعتقادی است، موافق اندیشه‌ی اعتقادی خود ترجمه و تفسیر نموده‌اند. این خصوصیت بیشتر در آیه‌هایی که در آن‌ها از صفات الهی، جبر و اختیار، ایمان و کفر، حدوث یا قدم قرآن، الحال آفریده بودن جنت و دوزخ یا عکس آن، جاویدانگی در آتش و غیره سخن رفته است، به نظر می‌رسد. مسئله‌ی رؤیت خداوند یکی از آن‌ها می‌باشد. این‌جا ترجمه‌ی دو آیت را که به این مسئله دلالت دارد، با همراه ترجمه‌ی مترجم مکتب اعتقادی دیگر نقل می‌نماییم.

«و روی‌ها آن روز ، تازه و روشن و شادان. زی خداوند خویش نگرنده»،^{۲۱} «حقا که ایشان از خدای خویش آن روز همی در حجاب باشند از دیدار خداوند».^{۲۲}

«آن روز رخسار طایفه‌ای از شادی برافروخته و نورانی است. و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند»، «چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آن‌ها از معرفت پروردگارشان (در) پرده جهل محجوب و محرومند».^{۲۳}

معظم مکاتب اعتقادی اهل سنت قائل به رویت خداوند در آن جهان با چشم سر می‌باشد. از ترجمه‌ی مترجم این نسخه برمی‌آید که او نیز پیرو این مکتب اعتقادی است. اما معتزله و چندی دیگر از مکاتب دیدن خدا را با چشم سر قبول ندارند. مترجم دیگری که ترجمه‌اش آورده شد، به سبب معتقد نظر دوّم بودن، در آیه‌ی اوّل دیدن را با «چشم قلب» معنی نموده‌اند. در آیه‌ی دوّم باشد، با ترجمه‌ی کلمه‌ی «یومئذ» را به فراموشی سپاریدن، برای ترجمه مطلب بر اساس مکتب اعتقادی خود، کلاً به طریق تأویلی عمل کرده‌اند.

۸) ترجمه‌ی تحت‌اللفظی

ترجمه‌ی قرآن از آغاز تا امروز با احتیاط تمام صورت می‌گیرد، تا مبدا امانت کلام الهی با خللی مواجه گردد. گروهی بر این مسئله توجّه بیشتر ظاهر نموده، قرآن را لفظ به لفظ ترجمه کرده‌اند. این شیوه‌ی ترجمه

بر مترجمان گذشته مسلط بوده، ایشان جز در حالت‌های ضروری از محدوده‌ی آن فراتر نمی‌رفته‌اند.

شیوه‌ی دیگر ترجمه با اساس قرار دادن معنی صورت می‌گیرد که آن با نام‌های ترجمه‌ی معنایی یا تفسیری شناخته شده است. از آن‌جا که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی در بعضی موارد هدف اساسی کار را که بیان پیام الهی به طریق واضح و با رعایت امانت‌داری است، فراگیر نیست و بیشتر موارد معنی فدای لفظ می‌گردد، شیوه ترجمه‌ی معنایی روی کار آمده است. این شیوه نه چون نظر بعضی دانشمندان، از عصر حاضر و یا از ترجمه دهلوی آغاز گردیده، بلکه خیلی فراتر از آن‌ها در ترجمه‌های عصر ۱۱-۱۲ [میلادی] استفاده یافته است. نمونه‌های آن در تفسیرهای «تاج التراجم» شاهپور اسفراینی، سرابادی، بصایر یمینی و غیره فراوان به نظر می‌رسند. اما این شیوه بر ترجمه مسلط نبوده، آن طوری که یاد شد، تنها در مورد‌های لازمی که در اکثر صفحات قرآن به نظر می‌رسند، استفاده می‌یافت.

مترجم این نسخه نیز چون شیوه‌ی گذشتگان به ترجمه‌ی آیات پرداخته، در حالت‌های لازمی از اصول تفسیری بهره جسته است. این‌جا از هر نوع نمونه‌هایی را نقل می‌نماییم:

« و اگر هستید شمایان در

گمان از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود...»^{۲۴} »

- : و دانم آنچه آشکار کنید و آنچه بودید پنهان دارید».^{۲۵} این

شواهد از ترجمه‌های تحت‌اللفظی است. شیوه‌ی مذکور گهگاهی حتی بر ترجمه‌ی اعلام نیز تأثیر گذاشته که ترجمه‌ی «بنی اسرائیل» به «فرزندان یعقوب» و «دار السلام» به «سرای سلامت» از جمله آن‌هاست.

نمونه‌های پایانی شواهد ترجمه‌ی معنایی و تفسیری بوده، علاقه‌مندان با قرار دادن آن‌ها بر معرض مقایسه با ترجمه‌های تحت‌اللفظی موجود، می‌توانند مزیت آن‌ها را دریابند.

«سوگند یاد می‌کنم به سپیده‌دم. و به دهه‌ی ذی‌الحجّه مشرف‌ت؟. و به روز نحر و به روز عرفه و به روز عید و به شب مزدلفه چون برود. هست اندر این چه یاد کردیم، سوگند تمام مر خداوند خرد را. انمی‌بینی تو، ای محمد، چه گونه کرد خداوند تو به قوم هود...»^{۲۶}.

«والبیت المعمور: و (سوگند به) خانه برابر کعبه در آسمان چهارم، آبادان به زیارت ملائک».^{۲۷}

» : هرآینه بدید محمد جبرئیل را باری دیگر».^{۲۸}

» : و مپوشید صفت محمد را به صفت

دجال».^{۲۹}

«و صدق بالحسنى : و راسگو کرد به بهشت».^{۳۰}

۹) کاربرد کلمات کهن

ترجمه‌های نیاکان ما از لحاظ لغوی نیز خیلی سودمند و درخور اهمیت می‌باشند. زیرا مترجمان گذشته می‌کوشیدند که در برابر کلمات

عربی حتی الامکان معادل فارسی و تاجیکی آن را بیاورند. مترجم ما نیز در ترجمه‌ی مفردات قرآنی چنین سعی را داشته، در ترجمه‌ی خود چندی از این گونه کلمات نغز فارسی را به کار گرفته است.

نمونه‌ها:

« : نگیرد او را غنودن و نه خواب». ^{۳۱}

در این آیه کلمه‌ی «سنه» با لفظ «غنودن» ترجمه یافته است. صاحب «برهان قاطع» این کلمه را به معنی آسودن آرمیدن، نیم‌خواب و غیره آورده است. ^{۳۲}

«و لا یقبل منها شفاعه : و قبول نکند از آن خواهش کسی». ^{۳۳}

این جا کلمه‌ی «خواهش» ترجمه‌ی لفظ «شفاعت» می‌باشد. این کلمه در ترجمه‌های کهن نیز استفاده فراوان دارد. در «کشف الاسرار» میبیدی چنین آمده: « : و به کار نیاید وی را که کسی آید و وی را خواهشگری کند». ^{۳۴}

«...لا یتکبرون: و ایشان بزرگ‌منشی نکنند»، ^{۳۵} : پس اگر بزرگ‌منشی کردند». ^{۳۶} آن طوری که می‌بینیم، این جا کلمه‌ی «تکبر» به معادل تاجیکی «بزرگ‌منشی» ترجمه شده است.

«الم یجدک یتیم... : انیافت ترا بی‌پدر». ^{۳۷}

از آن جا که در شریعت تنها پدرمردده را یتیم می‌گویند، مترجم کلمه‌ی «یتیم» را «بی‌پدر» ترجمه نموده است.

«یتغون فضلا من الله : همی جویند افزونی از خدای». ^{۳۸}

در این نمونه کلمه‌ی «افزونی» همچون معادل تاجیکی لفظ «فضل» انتخاب گردیده است.

به نام آن خدای، که... خواسته‌ی کافران (را) مر مؤمنان را غنیمت گردانید»

این جا «خواسته» به معنی غنیمت و اموال است. کلمه مذکور در تفسیرهای کهن نیز به نظر می‌رسد. از جمله در «بخشی از تفسیر کهن» چنین آمده: «و خدای بداند مر آن را که تبه کند خواسته‌ی یتیم را...».^{۳۹}

۱۰) ویژگی‌های زبانی و شیوه املا.

در متن ترجمه ویژگی‌های زبانی و شیوه‌ی املائی به نظر رسیده که از زبان و سبک نگاشت مترجم درک می‌دهند. این جا چندی از آن‌ها را بیان می‌داریم:

۱) پیش از فعل آوردن پیشوندهای «همی» و «فرو»:

«ای مردمان تورات، چرا همی کافر گردید به نشانی‌های خدای و خدای گواه است بر آنچه همی کنید».^{۴۰} در نوبت اول پیشوند «همی» با فاصله آمده است. «اوست که فرورستاد...»^{۴۱} «چون بشنوند آنچه فرو فرستاده آمد... بینی چشم‌های ایشان فرو همی چکد».^{۴۲}

۲) در آخر کلمات تأکیدی افزودن حرف «الف»:

)

...: و چون بباشی یا محمد اندر ایشان، به

پای کنی مر ایشان را و بیستندا گروهی (از) ایشان با تو (و) بگیرندا
زین افزار خویش. چون سجده کنند، بباشند از پس شما و بیایندا گروهی
دیگر که نماز نکرده باشند، نماز کنندا با تو و بگیرندا سازش خویش».^{۴۳}

۳) کاربرد فراوان کلمات «اندر»، «مر» و «ایشان» که همه از اقتباسات
[نقل قولها] آورده شده پدیدارند.

۴) آوردن «یا» زیادی در آخر فعلها:

«...بعضی را خانه‌ها از مسجد دورتر بود. از نماز شام نرفتندی تا نماز

خفتن نکردندی».

۵) در آخر اسم‌ها به جای پیوندک «ی» گذاشتن همزه :

رویهاء ایشان (دستهاء ایشان (پایهاء ایشان)

۶) ثبت کلمه‌ی «خدا» به صورت «خدای»، که مثالش چند نوبت

آورده شد.

۷) به جای کلمه‌ی «آیا» ثبت یافتن «ا»: «ا نکشادیم مر ترا دل ترا به

ایمان و پیغمبری و علم و حکمت»،^{۴۴} «ا نداند، که خدای می‌بیند»،^{۴۵} «ا
نیافت ترا بی پدر...».^{۴۶}

۸) نوشته شدند «آ» فارسی، چون «الف» بدون علامت مد:

آدم : آدم ، آشکار : اشکار، آب: اب .

۹) افتادن «ها» غیر ملفوظ در حال جمع بستن کلمه‌هایی که با چنین

حرف پایان می‌یابند: سوره ؛ سورها ، خانه؛ خانها

۱۰) ثبت یافتن حرف‌های خاص زبان تاجیکی، مخصوصاً چ، پ، گ به صورت عربی؛ ج، ب، ک:

کوساله: گوساله، جب: چپ، بس: پس، چرا: چرا.

۱۱) نوشتن کلمه‌های عربی به جای «ها» با تلفظ «تا»: مشرفه: مشرفّت، سوره: سورت، آیه: آیت و غیره.

۱۲) جای جای کلمات را به شیوه‌ی کتابت عربی‌اش آوردن: توریّت: تورات، منوّه: منات.

از سندهای ذکرشده برمی‌آید که خط و املاي این ترجمه به عصرهای ۷-۸ هجری یا شاید به دوره باز هم قدیم‌تر تعلق دارد. امکان دارد، در انجام این ترجمه‌ی نفیس و نادر، ترجمه‌های قدیمی و رارودی تأثیر رسانیده، جا جا سبک نگارش مؤلف، ترجمه را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

در مجموع ترجمه‌ی منسوب به حضرت ملّا یکی از ترجمه‌های نیکوی ماوراءالنهری قرآن بوده، با توانمندی علمی، سلاست زبان و چندین محسّنات دیگر، می‌تواند بین ترجمه‌های فارسی قرآن مجید مقام شایسته را داشته باشد. امیدواریم، این معرفی اجمالی ما که نسخه‌ی مذکور را بار نخست به جامعه آشنا می‌سازد، روشنگر جایگاه مردان دانشور ماوراءالنهر در میدان معارف قرآنی و سبب جلب توجه اهل تحقیق بر این نسخه‌ی نفیس و امثال آن قرار بگیرد.

پی‌نوشت و (منابع):

- ^۱ تحفه الأ خودی بشرح جامع ترمذی. قاهره: دار الحدیث، ۳۰۰۱، ج. ۸، ص. ۲۵۰.
- ^۲ موطاء. امام مالک. شرح علامه عبد الحی لکنوی. دمشق: دار القلم، ۲۰۰۵، ج. ۱.
- ^۳ ص مؤطاء. امام مالک. شرح علامه عبد الحی لکنوی. دمشق: دار القلم، ۲۰۰۵، ج. ۱.
- ^۴ صیوژدی اعراف: ۱۷۰.
- ^۵ سورهی آل عمران: ۱۹۵.
- ^۶ حمزه کمال. مزارهای شمال تاجیکستان. دوشنبه: دیوشتیچ، ۲۰۰۴، ص. ۹۷.
- ^۷ سلسله‌ی خواجهگان نقشبندیه. محمد طاهر ابن محمد طیب خوارزمی (مکتوب در سال ۱۱۵۷هـ.ق). نسخه‌ی قلمی، ص. ۲۱۴. A
- ^۸ Ислом энциклопедия. Зухриддин Хусниддинов. –
Ўзбекистон миллий энциклопедияси: Давлат илмий
нашриёти, ۲۰۰۴, саҳ ۱۴۳
- و سلسله‌ی خواجهگان نقشبندیه. محمد طاهر ابن محمد طیب خوارزمی (مکتوب در سال ۱۱۵۷هـ.ق). نسخه‌ی قلمی، ص. ۲۱۴. A
- ^۹ برای آگاهی از صاحبان اصلی این نظرها نگ. به «الجامع البیان عن تأویل آی القرآن» طبری. دمشق: دار السلام، ۲۰۰۷، ج. ۵، ص. ۴۱۷۱، ج. ۸، ص. ۶۹۵۷ و دیگر تفاسیر جامع.
- ^{۱۰} . سوره‌ی مریم: ۲۴.
- ^{۱۱} سوره‌ی مریم: ۱۸.
- ^{۱۲} سوره‌ی مریم: ۹۶.
- ^{۱۳} علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از ابهامات این مسئله بر «احکام القرآن» جصاص ج. ۲ صص. ۲۹۰-۲۹۱، «الجامع لاحکام القرآن» قُرطبی ج. ۵، صص. ۲۱۰-۲۱۴ و دیگر مراجع فقهی مراجعه فرمایند.
- ^{۱۴} قرآن کریم. ولی الله دهلوی. تصحیح مسعود انصاری. تهران: نشر احسان، ۱۳۸۴.
- ^{۱۵} معارف القرآن. محمد شفیع. پاکستان، ج. ۲، قسم دوم، ص. ۶۸.

- ^{۱۶} تاج التّرجم. شاهفور اسفراینی. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۴۹۱.
- ^{۱۷} تفسیر سرابادی. تألیف ابوبکر عتیق نیشاپوری. تصحیح سیرجانی. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰، ج. ۱، صص. ۴۱۸-۴۱۹.
- ^{۱۸} قرآن کریم. مسعود انصاری. تهران: نشر پژوهش فرزانه، ۱۳۷۷.
- ^{۱۹} سوره‌ی مائده: ۶.
- ^{۲۰} قرآن کریم. ترجمه بهاء الدین خرّمشاهی. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۶.
- ^{۲۱} سوره‌ی قیامت: ۲۲-۲۳.
- ^{۲۲} سوره مطفین: ۱۵.
- ^{۲۳} قرآن مجید. ترجمه استاد قُمشه‌ای. تهران، صص. ۵۷۸ و ۵۸۸.
- ^{۲۴} سوره‌ی بقره: ۲۳.
- ^{۲۵} سوره‌ی بقره: ۳۳.
- ^{۲۶} سوره‌ی فجر: ۱-۶.
- ^{۲۷} سوره‌ی طور: ۴.
- ^{۲۸} سوره نجم: ۱۳.
- ^{۲۹} سوره‌ی بقره: ۴۲.
- ^{۳۰} سوره‌ی ضحی: ۶.
- ^{۳۱} سوره‌ی بقره: ۲۵۵.
- ^{۳۲} برهان قاطع، نول کیشور، ۱۸۷۷م. ج. ۲، ص. ۱۶۶.
- ^{۳۳} سوره‌ی بقره: ۴۸.
- ^{۳۴} کشف الاسرار، ابوالفضل میبدی. تصحیح حکمت. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ ج. ۱ ص. ۳۳۳.
- ^{۳۵} مائده: ۸۲.
- ^{۳۶} سوره‌ی فصلت: ۳۸.

۳۷ ضحی: ۶.

۳۸ فتح: ۲۹.

۳۹ بخشی از تفسیری کهن. با مقدمه و تصحیح محمد روشن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص. ۹۱.

۴۰ سوره آل عمران: ۷۰.

۴۱ سوره فتح: ۲۸.

۴۲ سوره مائده: ۸۳.

۴۳ سوره: ۱، ۲، ۳.

۴۴ سوره:

۴۵ سوره: ۱

۴۶ سوره ضحی: ۶.